

تجلی قرآن در غزلیات سعدی

تألیف:

محمدرضا سهرابی نژاد «سهراب»



خانه کتاب

تیر ماه ۱۳۹۰

سرشناسه: سهرابی‌نژاد، محمدرضا، ۱۳۳۲
عنوان و نام پدیدآور: تجلی قرآن در غزلیات سعدی / تألیف محمدرضا سهرابی‌نژاد
«سهراب»

مشخصات نشر: تهران: خانه کتاب، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۱۲۸ ص

وضعیت فهرست‌نویسی: قیفا

موضوع: سعدی، مصلح‌بن عبدالله، ۶۹۱ ق. غزلیات - قرآن

موضوع: قرآن در ادبیات فارسی

رده‌بندی کنگره: PIR ۴۰۰۹ ۱۳۹۰ س ۹ ق ۴ /

رده‌بندی دیویی: ۸۰۹/۳۱ ق ۸

شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۶۰۰۵۴



۲۶۵

عنوان: تجلی قرآن در غزلیات سعدی

تألیف: محمدرضا سهرابی‌نژاد (سهراب)

ناشر: موسسه خانه کتاب

نوبت چاپ: اول - تیر ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۹۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۲۳۲ - ۰۲۰ - ۲

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، بین صبا و فلسطین جنوبی، شماره ۱۰۸۰ مؤسسه خانه کتاب

تلفن: ۸۸۳۴۲۹۸۵

فهرست مطالب

پیش گفتار.....	۹
مقدمه.....	۱۳
دورنمایی از جهات سعدی.....	۱۵
بررسی آیات قرآنی در غزلیات سعدی.....	۱۹
غزل ۱.....	۲۱
غزل ۲.....	۳۰
غزل ۵.....	۳۴
غزل ۶.....	۳۶
غزل ۷.....	۳۹
غزل ۱۰.....	۴۰
غزل ۱۲.....	۴۲
غزل ۱۳.....	۴۳
غزل ۱۵.....	۴۵
غزل ۱۹.....	۵۲
غزل ۲۱.....	۵۴
غزل ۲۳.....	۵۶
غزل ۲۴.....	۵۸
غزل ۲۵.....	۶۰
غزل ۳۲.....	۶۲
غزل ۳۳.....	۶۹
غزل ۳۷.....	۷۱
غزل ۳۹.....	۷۳
غزل ۴۰.....	۷۵
غزل ۴۱.....	۷۸

۸۰	غزل ۴۲
۸۱	غزل ۴۳
۸۳	غزل ۴۴
۸۴	غزل ۴۷
۸۷	غزل ۴۸
۹۱	غزل ۴۹
۹۲	غزل ۵۰
۹۳	غزل ۵۱
۹۶	غزل ۵۲
۹۹	غزل ۵۳
۱۰۳	غزل ۵۵
۱۰۶	غزل ۵۷
۱۰۸	غزل ۵۹
۱۱۰	غزل ۶۱
۱۱۲	غزل ۶۴
۱۱۴	غزل ۶۵
۱۱۵	غزل ۶۷
۱۱۷	غزل ۶۸
۱۱۸	غزل ۷۰
۱۲۰	غزل ۷۳
۱۲۴	غزل ۷۶

پیشگفتار

شعرا و نویسندگان پارسی گوی غالباً اطلاعات عمومی وسیعی داشتند که از آنها در سرودن شعر و نوشتن آثار منثور استفاده می کردند و کسی که بخواهد از این آثار منثور بهره مند شود، تلخا باید کم و بیش از این اطلاعات عمومی باخبر باشد و در بسیاری از موارد درک لذت این نوشته ها منوط به دانستن این گونه اطلاعات است و شاید ایرانیان از این لحاظ - یعنی از جهت گنجاندن دانشهای خود در آثار خویش - در صدر ادبیات جهان قرار گرفته باشند.

این اطلاعات شامل دانشهایی است چون قرآن، تفسیر، علوم قرآنی، علم احادیث و روایات رسیده از پیامبر (ص) و معصومین و قصص و داستانهای انبیا و بزرگان دین و نیز افسانه های ملی و قومی چون داستانهای شاهنامه و گرشاسب نامه و امثال آنها و برخی از اساطیر ملل که در کتب تاریخی و ملل و نحل آمده است و علم نجوم و ستاره شناسی و علم تنجیم - یعنی احکام نجوم - و علم رمل که به علم تنجیم بسیار مرتبط است و در حقیقت صورت ساده قرآن است که نیازی به دانستن علم نجوم ندارد و به جای رصد کواکب مثنی نقطه و خط به قید قرعه حاکم بر احکام زندگی و اطلاع از مخیبات و پیشگویی و تفأل گردیده است و علوم صرف و نحو و اشتقاق عربی و علم لغت فارسی و عربی و بویژه دانستن لغات عربی که برخی از نویسندگان و شعرا این لغات را از برکرده بودند تا توانایی آنها در کاربرد آنها افزایش یابد و علوم معانی و بیان و بدیع که باعث افزایش قوت تشخیص کلام بلیغ و زیبا از سخن رکیک و نارسا می شود و علوم عروض و قافیه که برای شاعر از شمه ای از علوم تاریخ و جغرافیا (که در قدیم بدان علم مسالک و ممالک می گفتند) و علم امثال و بویژه امثال عربی را بدین فهرست افزود و

البته شعرا معمولاً دواوین شعرای متقدم بر خود را می‌خواندند و مضامین جالب آنها را به ذهن می‌سپردند تا در موقع مناسب از آنها به نحوی دیگر استفاده کنند، اما به صورتی که به دزدی مضامین شعر دیگران متهم نشوند.

بعضی از شعرا و نویسندگان از حکمت و منطق و علوم ریاضی و طبیعی نیز آگاه بودند و از همه این علوم در آثار خود استفاده می‌کردند و نمونه بارز آنها انوری و خاقانی‌اند که به علت همین استفاده بیش از حد از علوم و فنون مذکور فهم اشعارشان دشوار است و هرکسی نمی‌تواند آنها را دریابد و از آنها لذت ببرد.

اما سعدی که افصح المتکلمین است، از علوم خود در شعر و نثر چنان استفاده کرده است که فهم آن بسیار آسان و مانند آب روان و درعین حال بسیار زیبا و بلیغ است. مثلاً به این جمله کوتاه از گلستان او توجه کنید که می‌گوید: "قارون را گفتند: احسین کما احسن الله الیک، تشدید و عاقبتش شنیدی." این جمله برگرفته است از آیه کریمه ۷۷ سوره قصص، ببینید که چگونه از آن استفاده کرده است که هم زیبا و هم بلیغ و هم کوتاه است و هرکس می‌تواند آن را حفظ کند و در جای مناسبی نقل کند و کلمه شنیدن را دوبار آورده است: یکبار به معنای گوش کردن و پذیرفتن و بار دیگر به معنای استماع کردن؛ و دیگر آنکه مضامین آیات و احادیث را نه به نقل عین آنها، بلکه به صورت مفهومی در خلال شعر و نثر خود گنجانده است و خواننده باید از اصل آنها آگاه باشد تا بتواند بلافاصله منظور او را دریابد.

در چاپهای گلستان و بوستان سعدی در هند و در برخی از آنها در عثمانی (یعنی ترکیه فعلی و مستملکات دیگر عثمانی) حواشی و تفسیرهایی بر شعر و نثر سعدی نوشته و مشکلات آن را حل کرده‌اند و هر جا که لازم بوده است به آیات و احادیث و قصص آنها نیز حواشی فراوانی نوشته‌اند تا مطالب گلستان و بوستان را برای مردم خود مفهوم سازند. در فارسی نیز برخی از دانشمندان برکت سلف شرح و حاشیه نوشته‌اند، چنانکه بر اشعار انوری و خاقانی و نظامی شرح‌هایی موجود است و مرحوم فروزانفر درباره مثنوی مولوی دو کتاب نوشت در یکی احادیث مثنوی را استخراج کرده و با ذکر مأخذ آنها شرح داده است و در دیگری مأخذ قصص و تمثیلات مثنوی را آورده است که شامل ۲۶۴ تمثیل و قصه است.

اما کتاب حاضر به نام *تجلی قرآن در غزلیات سعدی* تألیف آقای سهرابی نژاد در حقیقت شامل استخراج آیات قرآنی است که تصریحاً یا تلویحاً در غزلیات سعدی آمده است که در این مجلد فقط ۴۱ غزل از غزلیات سعدی از روی چاپ خطیب رهبر به ترتیب از الف تا تاء انتخاب شده و آیاتی از ۵۳ سورة قرآن را که به مضامین این اشعار از نظر مؤلف مربوط بوده است استخراج و با ترجمه آنها ذکر کرده است و بنا به گفته ایشان قرار است که بقیه غزلیات را هم به همین شیوه بررسی نمایند و منتشر کنند.

در این کتاب غزلیات، به ترتیب مندرج در چاپ خطیب رهبر عیناً نقل شده و بعد از هر غزل آیاتی که مربوط به ابیات آن غزل بوده است به ترتیب هر بیت در غزل آورده شده است و لذا این کتاب در حقیقت دفتری از غزلیات سعدی است همراه با تلمیحات قرآنی آنها که می‌توان آن را به همین عنوان مورد استفاده قرار داد.

ناگفته نماند که تطبیق آیات قرآن با اشعار شعرا پیش از این کتاب نیز سابقه دارد و دانشمندانی بدین کار پرداخته‌اند و از جمله می‌توان به ترجمه عالی و زیبای مرحوم زین‌العابدین رهنما اشاره کرد که از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۴ در چهار جلد منتشر شد و اکنون متأسفانه متروک و فراموش شده است. آن مرحوم در پایان دو جلد اول و دوم این کتاب گشتی در ادبیات فارسی زده و اشعاری را که مناسب آیات قرآنی بوده است از شعرائی چون ستایی، انوری، عطار، مولانا و سعدی گردآوری کرده و نوشته است که کاری بود در آن زمان بی‌همتا که متأسفانه در مجلدات بعدی ادامه نیافت. زیرا که حجم کتاب در این دو مجلد زیاد شده بود و گنجایش ادامه بحث تحت عنوان "قرآن در ادب فارسی" را نداشت. او مثلاً در آخر جلد اول (ص ۱۰) چهار بیت از سعدی نقل کرده است که در آن از هاروت نام برده شده است و آقای سهرابی نژاد (در ص ۱۳۶) از این کتاب چاه بابل را در مورد این داستان هاروت و ماروت دانسته است بی‌آنکه صریحاً ذکر کند این ارتباط کرده باشد و این داستان را از روی کتاب قصه‌های قرآنی تألیف محمد اشتهااردی نقل کرده است که شاید بهتر بود ربط هاروت و ماروت بر چاه بابل را هم نقل می‌کردند.

البته دیدگاه مرحوم رهنما با دیدگاه آقای سهرابی متفاوت است. رهنما اشعار را از نظر ربط آنها به قرآن آورده است و سهرابی آیات را از نظر ربط آنها به شعر ذکر کرده

است و اگر می‌خواست طریق رهنما را بی‌ماید، باید آیات را طبقه‌بندی می‌کرد و ذیل هر گروه از آیات اشعار متناسب را از غزلیات سعدی استخراج و ذکر می‌کرد که کاری بس دشوار و پر زحمت است.

و نیز بی‌مناسب نیست که در اینجا از اشعار بسیار زیبای عارفانهٔ خواجۀ عبدالله انصاری که در ترجمۀ عرفانی قرآن در تفسیر میبدی آمده است، ذکر بشود. این پیر عارف که سلفی و حنبلی مذهب بود، روحی بسیار بلند و طبعی مملو از عشق الهی داشت که از یک حنبلی قشری متعصب بعید است و جمع این دو واقعاً از امور نادره است و به هر حال این اشعار از لطیف‌ترین و زیباترین اشعار عارفانه است که در این کتاب شریف حفظ شده است و برای همین یک رباعی از او را که در تفسیر سورۀ حمد آمده است در اینجا می‌آورم:

چشمی دارم همه بر از صورت دوست با دیده مرا خوش است تا دوست در اوست
از دیده و دوست فرق کردن نه نکوست یا اوست به جای دیده یا دیده خود اوست
باری سخن به درازا کشید و ناچار باید در خاتمه از زحمات مؤلف این کتاب قدردانی کرد و امیدوار بود که تحقیقات آتی ایشان بیش از پیش ثمربخش گردد.

دکتر مصطفی ذاکری

دی ماه ۱۳۸۹

مقدمه

حمد و سپاس بی قیاس، خداوندی را سزااست که توفیق را رفیق را هم کرد تا بتوانیم به یکی از ارزش‌های سال‌های جوانی‌ام جامه تحقق ببوشانم. و آن آرزو، استخراج آیات قرآنی، از غزلیات خداوندگار سخن پارسی، سعدی بود که به حول و قوه الهی، بخشی از آن با توجه به بضاعت و توان این حقیر، با انتشار اثر حاضر جامه تحقق پوشید و مابقی آن به شرط یاری حضرت حق — سبحانه و تعالی — و بقای عمر، به زودی زود محقق خواهد شد. و اما بعد...



مینای کارم در استخراج آیات، از قرآن و انطباق آن با ابیات غزل‌های سعدی در تدوین این اثر، دیوان دو جلدی سعدی، به کوشش استاد دکتر خطیب رهبر می‌باشد و شیوه کار به این شکل که: ابتدا غزل‌های آراسته به صنعت «درج یا حل» را برگزیده‌ام، بعد بیت یا ابیات شاهد هر غزل را — مستقلاً — شماره‌گذاری کرده، و زیر آن بیت، متن آیه مربوط و ترجمه‌اش را با ذکر نام سوره، و شماره آیه، مرقوم داشته‌ام. و در برخی مواقع — لزوماً — به شرح برخی از داستانهای قرآن نیز، به‌طور موجز پرداخته‌ام. در بعضی از ابیات (برای بهره بیشتر) ۲ یا ۳ آیه از سوره‌های مختلف را ذکر کرده‌ام. شایان ذکر است که چهل و یک غزل برگزیده این کتاب، دربردارنده آیاتی از پنجاه و سه سوره قرآنی است.

یکی از ویژگی‌های این اثر، این است که؛ خواننده محترم با خواندن غزلی مستقل - بدون مراجعه به دیوان سعدی و قرآن کریم - با آیه و یا آیات مندرج در آن و ترجمه‌اش، و نیز، نام سوره و شماره آیه، آشنا می‌شود.

حتی‌المقدور سعی کرده‌ام از ذکر ابیاتی که آیات مشابه دارند، پرهیز کنم گاهی هم، کوشیده‌ام تا برای مضمون واحدی، از سوره‌های مختلف شاهد مثال بیاورم.



در اینجا، وظیفه خود می‌دانم تا ضمن ابراز مراتب سپاس و حق‌شناسی خود از همه عزیزان و اساتید موثر در پدید آمدن این اثر و عرضه آن ابراز نمایم.

همچنین از کلیه عزیزان قرآن‌پژوه، استان صاحب‌نظر و ادیبان و ادب‌دوستان استدعا دارم نقاط ضعف و اشکالات کارم را گوشزد کنند تا این نوازش بزرگوارانه ایشان، راه توشه‌ای باشد برای گام‌های بعدی. که، آنچه ارائه کرده‌ام ران ملخی پیش سلیمان طبع صاحب‌نظران بوده آن هم، در حد توان و بضاعت فکری و معنوی‌ام، که حضرت حق فرمود: لَا يَكْفِيكَ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَسْعَهَا.

باقی، بقایتان

محمدرضا سهرابی نژاد